



**Studies on Israel - US**  
Vol 24. No 4. Winter 2024  
Received date: 2023.09.08  
Acceptance date: 2024.01.13



مرکز پژوهش‌های علمی و  
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: [www.cmess.sinaweb.net](http://www.cmess.sinaweb.net)

## **The effect of Iran's nuclear capability in the formation of Ibrahim's peace**

Sajjad Nasaripour<sup>1</sup>, Shirzad azad<sup>2</sup>



### **Abstract**

The relations between the Arabs and Israel have always been hostile, so that from 1948 to 1973, four consecutive wars took place between them, which were accompanied by the defeat of the Arabs. But after the wars of Lebanon's Hezbollah with Israel, the Arab Spring, the signing of the JCPOA agreement, the severance of diplomatic relations between some Arab countries and the Islamic Republic of Iran; Arabs and Israel started their relations with each other. Relationships that were never officially announced by any of the parties' officials until 2020. Until in 2020, with the mediation of Donald Trump, these relations were announced publicly by normalizing the relations of the UAE and Bahrain with Israel and then with Sudan and Morocco; Therefore, the current research seeks to answer this question: What effect has Iran's nuclear capability had on the formation of Ibrahim's peace? The hypothesis derived from this research is that the Peace of Ibrahim is the result of the joint threat of the Arab countries and Israel from Iran's nuclear capability. The importance of leading research is that it can help to better understand Israel's foreign policy towards the Arabs and the normalization of this country's relations with Arab countries, as well as the role of the nuclear capability of the Islamic Republic of Iran in improving these relations. The method used in this research is the descriptive-analytical method, and the method of data collection is the use of library resources, articles from domestic and international magazines, and internet resources.

**Keywords:** Nuclear Capability of the Islamic Republic of Iran, Peace of Ibrahim, Threat Balance.

1 -Master Student of International Relations, Ferdowsi University of Mashhad, Iran.

2 -Associate Professor of International Relations Ferdowsi University of Mashhad, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و  
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی

دوره ۲۴، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

Home page: [www.cmess.sinaweb.net](http://www.cmess.sinaweb.net)

نوع مقاله: علمی

## تأثیر توانمندی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در شکل‌گیری صلح ابراهیم

سجاد نصاری پور، شیرزاد آزاد<sup>۱</sup>



### چکیده

روابط اعراب و اسرائیل همواره روابط خصمانه‌ای بود به طوری که از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۷۳ چهار جنگ متوالی بین آنها به وقوع پیوست که با شکست اعراب همراه شد. اما پس از جنگ‌های حزب‌الله لبنان با اسرائیل، وقوع بهار عربی، امضای توافقنامه برجام، قطع روابط دیپلماتیک برخی کشورهای عربی با جمهوری اسلامی ایران، اعراب و اسرائیل روابط خود را با یکدیگر آغاز کردند؛ روابطی که هرگز تا سال ۲۰۲۰ به صورت رسمی از سوی هر یک از مقامات طرفین اعلام نشده بود. تا اینکه در سال ۲۰۲۰ با میانجیگری دونالد ترامپ این روابط با عادی‌سازی روابط امارات و بحرین با اسرائیل و در ادامه سودان و مراکش به صورت علنی اعلام شد؛ بنابراین تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است: توانمندی هسته‌ای ایران چه تأثیری در شکل‌گیری صلح ابراهیم داشته است؟ فرضیه برآمده از این تحقیق آن است که صلح ابراهیم حاصل تهدید مشترک کشورهای عربی و اسرائیل از توانمندی هسته‌ای ایران می‌باشد. اهمیت تحقیق پیش رو از این جهت است که می‌تواند به درک بهتر سیاست خارجی اسرائیل در قبال اعراب و عادی‌سازی روابط این کشور با کشورهای عربی همچنین نقش توانمندی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در بهتر شدن این روابط کمک کند. روش به کار برده شده در این پژوهش روش توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری داده‌ها استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مقالات مجلات معتبر داخلی و بین‌المللی و منابع اینترنتی می‌باشد.

واژگان کلیدی: توانمندی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، صلح ابراهیم، موازنه تهدید.

## مقدمه

از زمان تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸م، این کشور دارای ستیزهای فراوان با کشورهای عربی بوده است؛ ستیزهایی که منجر به چهار جنگ متوالی بین اعراب و اسرائیل در سال‌های ۱۹۴۸ (جنگ استقلال)، ۱۹۵۶ (جنگ کانال سوئز)، ۱۹۶۷ (جنگ ۶ روزه) و جنگ ۱۹۷۳ (جنگ اصطکاک یا یوم کیپور) شد. بعد از چهار جنگ متوالی که با شکست و تحقیر اعراب همراه شد روند عادی‌سازی روابط و برقراری صلح بین اعراب و اسرائیل با به قدرت رسیدن انور سادات در مصر آغاز شد که در نهایت با میانجیگری رئیس‌جمهوری آمریکا، جیمی کارتر، قرارداد کمپ دیوید بین مصر و اسرائیل در سال ۱۹۷۹ امضا شد. این توافقنامه با واکنش سایر کشورهای عربی همراه بود و حتی باعث اخراج مصر از اتحادیه عرب و قطع روابط دیپلماتیک برخی کشورهای عربی با مصر شد. بعد از آن در سال ۱۹۹۴ پادشاهی اردن رژیم اسرائیل را به رسمیت شناخت و صلح‌نامه‌ای بین دو دولت امضا شد، عربستان هم بعد از کنفرانس مادرید روابط خود را با اسرائیل گسترش داد.

با این وجود طی این چند سال اخیر به‌خصوص از سال ۲۰۰۶ به بعد شاهد آن بودیم که اعراب و اسرائیل به‌ویژه کشورهای عربستان سعودی و امارات به طور مخفیانه با مقامات کشور اسرائیل گفتگوهایی داشته‌اند، گفتگوهایی که هرگز از سوی هر یک از مقامات طرفین به صورت رسمی تأیید نشده بود. اما با انتخاب دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۱۶ روابط اعراب و اسرائیل دچار دگرگونی اساسی شد. دونالد ترامپ نگاه ویژه‌ای به خاورمیانه بالاخص کشورهای عرب خلیج فارس داشت. رئیس‌جمهور آمریکا با ارائه طرح معامله قرن یا طرح صلح ترامپ خواهان پایان دادن به مناقشه اسرائیل و اعراب شد تا به این ترتیب هم بتواند امنیت اسرائیل در منطقه را حفظ کند و هم طرح فشار حداکثری علیه حکومت ایران در خاورمیانه به اجرا در بیاورد. به دنبال این طرح (معامله قرن یا طرح صلح ترامپ) شاهد آن بودیم که کشورهای بحرین و امارات با وساطت دونالد ترامپ در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ در کاخ سفید واشینگتن جلو دوربین‌های تلویزیون حاضر شدند و توافقنامه عادی‌سازی روابط با اسرائیل را امضا کردند. در ادامه میانجیگری ترامپ بین اعراب و اسرائیل به ترتیب در ۲۳ اکتبر و ۱۰ دسامبر ۲۰۲۰ سودان و مراکش روابط خود با اسرائیل را عادی کردند.

به طور کلی می‌توان گفت که عوامل مختلفی در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی سبب شکل‌گیری صلح ابراهیم و همگرایی بین اعراب و اسرائیل شد. اما یکی از دلایل مهم و تأثیرگذار که باعث عادی‌سازی روابط برخی از کشورهای عربی با رژیم اسرائیل شد، وجود رقیب و دشمن مشترک به نام

جمهوری اسلامی ایران و توانمندی هسته‌ای این کشور است. از نظر اعراب و اسرائیل جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین رقیب آن کشورها در منطقه خاورمیانه می‌باشد، رقیبی که با وجود برخوردار بودن از توانمندی هسته‌ای قدرت چانه‌زنی فزاینده در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی دارد؛ بنابراین تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که توانمندی هسته‌ای ایران چه تأثیری در شکل‌گیری صلح ابراهیم داشته است؟ فرضیه برآمده از این تحقیق آن است که صلح ابراهیم حاصل احساس تهدید مشترک کشورهای عربی و اسرائیل از توانمندی هسته‌ای ایران می‌باشد. اهمیت تحقیق پیش رو از این جهت است که می‌تواند به درک بهتر سیاست خارجی اسرائیل در قبال اعراب و عادی‌سازی روابط این کشور با کشورهای عربی همچنین نقش توانمندی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در بهتر شدن این روابط کمک کند. به طور کلی این تحقیق در ابتدا به سؤال اصلی و پاسخ به آن و روش به کار برده شده برای اثبات فرضیه می‌پردازد. قسمت اول به پیشینه تحقیق و دیدگاه‌هایی که راجع به موضوع تحقیق بررسی می‌شود، می‌پردازد، در قسمت دوم مبانی نظری تحقیق، قسمت سوم تاریخچه روابط اعراب و اسرائیل، قسمت چهارم تاریخچه برنامه هسته‌ای ایران و قسمت پنجم شکل‌گیری صلح ابراهیم در چارچوب موازنه تهدید را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### پیشینه پژوهش

تا کنون در رابطه با «برنامه هسته‌ای ایران و تأثیر آن بر رفتار کشورهای منطقه» و همچنین «روابط اعراب و اسرائیل» پژوهش‌های زیادی به زبان‌های مختلف صورت گرفته است. در این راستا می‌توان برخی از این منابع را مورد بررسی اجمالی قرار داد: فرزاد رستمی و علیرضا تارا (۱۳۹۷) در مقاله خود تحت عنوان «تحلیل روابط عربستان سعودی و اسرائیل در سایه توافق هسته‌ای» به نقش و تأثیر فعالیت هسته‌ای ایران در منطقه پرداخته‌اند. در این تحقیق نویسندگان با استفاده از نظریه معمای امنیت این فرضیه را مورد بررسی قرار می‌دهند که توافق هسته‌ای ایران و غرب زمینه‌ساز تقویت مناسبات و تعاملات سیاسی-امنیتی عربستان سعودی و اسرائیل شده است.

افسانه احدی در مقاله (۱۳۸۵) خود تحت عنوان «اسرائیل و برنامه هسته‌ای ایران» تأکید می‌کند که ایران و اسرائیل همواره برای یکدیگر تهدید به حساب می‌آیند و قدرتمند شدن یکی به معنی به خطر افتادن امنیت طرف دیگری است؛ بنابراین از نظر اسرائیل برنامه هسته‌ای ایران تسلیحاتی است و جمهوری اسلامی ایران به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای و رسیدن به موازات با این کشور است. مسعود جعفری‌نژاد و فیدابه مدآبادی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر برنامه هسته‌ای ایران بر نظام امنیت منطقه خاورمیانه

(خلیج فارس) با تأکید بر نظریه رئالیسم تهاجمی» سعی داشتند نشان دهند که غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا به دنبال پروژه ایران هراسی و امنیتی کردن برنامه صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس هست؛ بنابراین از نتایج این پژوهش می‌توان به خرید و قراردادهای نظامی گسترده کشورهای عربی این منطقه مانند عربستان، امارت، بحرین با کشورهای غربی اشاره کرد.

هما بقائی و صبیحه مهرین<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «توافق آبراهام: سفری از اعراب و اسرائیل به مناقشه فلسطین و اسرائیل» به چگونگی ایفای نقش دونالد ترامپ در این توافق تاریخی که حامیان ترامپ از آن به‌عنوان «توافق قرن» و حماس از آن به‌عنوان «سیلی قرن» یاد می‌کنند، می‌پردازد. همچنین به فرصت‌های تجاری-اقتصادی که برای کشورهای عربی امضاکننده این توافق به وجود آمده اشاره کرده‌اند. این توافقنامه در واقع اتحادی بود بین کشورهای عربی منطقه خلیج فارس و اسرائیل علیه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه. جوئل سینگر<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) در پژوهش خود تحت عنوان «توافقنامه‌های ابراهیم: توافقنامه‌های عادی‌سازی امضا شده توسط اسرائیل با امارات متحده عربی، بحرین، سودان و مراکش» سابقه قراردادها و تفاهم‌نامه و جنگ‌هایی که بین اعراب و اسرائیل به وقوع پیوست و همچنین اهمیت توافقنامه ابراهیم برای طرفین را مورد بررسی قرار داد. عزیز الرحمن<sup>۳</sup> (۲۰۲۰) در مقاله خود با عنوان «علل توافق ابراهیم و پیامدهای آن برای روند صلح در خاورمیانه» به توافق اعراب و اسرائیل پرداخته است. در این مقاله نویسنده علل مختلف از جمله دشمن مشترکی که کشورهای عرب منطقه خلیج فارس با اسرائیل به نام ایران در منطقه دارند، همچنین نقش مؤثر دونالد ترامپ در این توافق اشاره کرده که کشورهای عربی حوزه خلیج فارس سال‌ها است شریک راهبردی ایالات متحده در منطقه خاورمیانه هستند. نویسنده به تأثیرات فوری، کوتاه مدت و بلند مدت این توافق و پیامدهایی که می‌تواند برای اعراب، فلسطین و اسرائیل داشته باشد، پرداخته است.

چنانچه مشخص است پژوهش‌های ذکر شده عوامل مختلفی را در برقراری روابط اعراب و اسرائیل مورد بررسی قرار داده و نگاه چند بعدی داشته‌اند. اگرچه فرزاد رستمی و علیرضا تارا در مقاله خود به صورت خاص به تأثیر توافق هسته‌ای در روابط عربستان و اسرائیل پرداخته‌اند ولی نویسندگان به تأثیر توانمندی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل به صورت کلی اشاره

1 - Homa Baghai & Sabiha Mehreen

2 - Joel Singer

3 -Azizul Rahman

نکرده‌اند. بنابراین در این پژوهش سعی بر آن است که بتوانیم توانمندی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر روابط اعراب و اسرائیل را مورد بررسی قرار دهیم.

### مبانی نظری

بر اساس نظریه موازنه تهدید که از سوی استفان والت در کتاب «ریشه‌های اتحاد» ارائه شد، دولت‌ها در مقابل واحدهایی که موجد بیشترین تهدید هستند، با یکدیگر متحد می‌شوند و هرچه قدرت تهدید خارجی بیشتر باشد، انگیزه اتحاد نیز بالاتر می‌رود. از نظر والت، تهدید قدرت کل، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت تهاجمی بازیگر تهدیدکننده است (نویدنیا و مرادی کلارده، ۱۴۰۰: ۹۴). قدرت کل، جزء مهمی از تهدیدی است که یک دولت ایجاد می‌کند و توسط سایر دولت‌ها چنین تصور می‌شود. همچنین والت نزدیکی جغرافیایی را به‌عنوان یکی دیگر از عوامل مؤثر بر ادراک تهدید شناسایی می‌کند، زیرا ایالت‌هایی که در نزدیکی قرار دارند خطر بزرگ‌تری نسبت به آنهایی که در دور هستند ایجاد می‌کنند. یکی دیگر از عناصر تهدید برای والت قدرت تهاجمی است که به توانایی برای تهدید حاکمیت یا تمامیت ارضی دولت دیگر با هزینه قابل قبول اشاره دارد. در نهایت والت بر اهمیت مقاصد تهاجمی تأکید می‌کند: دولت‌هایی که به‌عنوان تهاجمی تلقی می‌شوند احتمالاً دیگران را تحریک می‌کنند تا در برابر آنها تعادل برقرار کنند (Dagi, 2018: 144).

در این راستا والت بر خلاف تصور پذیرفته شده بر این باور است که کشورها نه بر اساس اصل توازن قوا بلکه بر اساس توازن تهدید عمل می‌کنند، یعنی تعادل در برابر قدرت‌ها با اتحاد علیه کشورها است. از این رو کشورها نه در مقابل قدرت بلکه در مقابل تهدید دست به توازن زده‌اند؛ بنابراین به این معنی است که کشورها به دنبال توازن دادن به قدرتی نیستند بلکه آنها در پی ایجاد توازن در مقابل کشوری هستند که افزایش قدرت آن، تهدید محسوب می‌شود (جلال‌پور، ۱۴۰۱: ۵۷). والت معتقد است دولت‌ها در مقابل قدرت تهدیدگر دو رویکرد موازنه و دنباله‌روی را به کار می‌گیرند. از نظر والت کشورها به دنبال توازن دادن به هر قدرتی نیستند بلکه آنها در پی توازن دادن در مقابل کشوری هستند که افزایش قدرت آن تهدید محسوب می‌شود و در این زمینه می‌گوید: دولت‌هایی که تهاجمی تلقی می‌شوند موازنه دیگران علیه خود را بر می‌انگیزند. همچنین از نظر والت دنباله‌روی تنها در شرایطی انجام می‌شود که دولتی به دلیل آسیب‌پذیری و یا فقدان قدرت، توانایی توازن در برابر قدرت تهدیدگر را نداشته و



ناچار به اتخاذ راهبرد دنباله‌روی است (ریبعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۵). بر این اساس اعراب و اسرائیل به دلیل وجود چهار مؤلفه تهدیدزا قدرت کل، مجاورت جغرافیایی، قابلیت تهاجمی و نیت تهاجمی که از جانب جمهوری اسلامی ایران احساس کردند، ناچار به برقراری روابط در سطح گسترده با یکدیگر شدند که همین امر منجر به توافقنامه ابراهیم بین برخی از کشورهای عربی با اسرائیل در سال ۲۰۲۰ شد.

### تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران

در ۵ مارس ۱۹۵۷، ایران توافقنامه‌ای برای همکاری هسته‌ای غیر نظامی با ایالات متحده تحت برنامه «اتم برای صلح» با دولت آیزنهاور امضا کرد. ایران به دنبال تنوع بخشیدن به نیازهای انرژی خود بود و ایالات متحده مایل بود ایران را قدرتمند کند تا بتواند به‌عنوان یک کشور حائل در برابر اتحاد جماهیر شوروی عمل کند. یک سال بعد ایران به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیوست و در سال ۱۹۶۳، پیمان منع آزمایش‌های هسته‌ای جزئی را امضا کرد. اولین تأسیسات هسته‌ای ایران، رآکتور تحقیقاتی تهران در سال ۱۹۶۷ توسط ایالات متحده ساخته شد. این یک رآکتور تحقیقاتی هسته‌ای ۵ مگاواتی بود که سوخت آن از اورانیوم بسیار غنی شده تأمین می‌شد. در ۱ ژوئیه ۱۹۶۸، ایران یکی از امضاکنندگان اصلی معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) بود و در فوریه سال ۱۹۷۰ به تصویب مجلس ایران رسید.

از اواسط دهه ۱۹۷۰، ایالات متحده و اروپا برای هسته‌ای کردن ایران به رقابت پرداختند. شرکت زیمنس آلمان غربی با ساخت دو رآکتور آب سبک ۱۲۰۰ مگاواتی برای تولید انرژی هسته‌ای در بوشهر در جنوب ایران موافقت کرد. علاوه بر این، مؤسسه فناوری ماساچوست با ایران برای آموزش مهندسان هسته‌ای ایرانی به توافق رسید و فرانسه یک قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک با ایران برای تولید سوخت هسته‌ای امضا کرد (Mousavian & Mousavian, 2018: 169-170). در دهه ۱۳۵۰ حکومت پهلوی دوم برای احداث نیروگاه هسته‌ای به منظور تولید برق با کشورهای مختلف از جمله فرانسه (۱۹۷۷)، آلمان غربی (۱۹۷۶) و آمریکا (۱۹۷۴) وارد مذاکره شد. همچنین قانون موافقتنامه همکاری برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی بین دولت ایران و دولت‌های کانادا، فرانسه و آلمان امضا شد (محمد زادگان، ۱۳۹۴: ۶۳).

فعالیت‌های هسته‌ای ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون به تناسب اوضاع و شرایط حاکم، فراز و نشیب‌هایی را پشت سر گذاشته است. مرحله اول برنامه هسته‌ای ایران دوره رکود بود. آلمان‌ها

از تکمیل پروژه بوشهر کنار کشیدند و رآکتورهای نیمه تمام بر اثر ۶ حمله عراق در سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۷ به شدت صدمه دیدند. مرحله دوم که مرحله آغاز برنامه هسته‌ای ایران بود، ایران ابتدا سعی کرد نظر آلمان‌ها را برای شروع فعالیت هسته‌ای جلب کند اما آلمان‌ها از ادامه همکاری با ایران انصراف دادند، در نتیجه ایران به روسیه روی آورد و در سال ۱۳۷۳ طی قراردادی به ارزش ۷۰۰ میلیون دلار، میان سازمان انرژی اتمی ایران و شرکت اتم استروی اکسپورت روسیه جنبه اجرایی پیدا کرد (Islam, 2010: 106-107). مرحله سوم برنامه هسته‌ای ایران را باید خیزش و چالشی شدن این برنامه دانست. در سال ۲۰۰۰ میلادی سازمان منافقین ایران شواهدی ارائه کرد که دو کارخانه هسته‌ای ایران بی آنکه به سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای اعلام شوند، تأسیس شده‌اند. آنها مدعی بودند که تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم نطنز و کارخانه تولید آب‌سنگین اراک بخشی از برنامه سری سلاح هسته‌ای است (قاسمی، ۱۳۸۷: ۶۷).

در ژانویه ۲۰۰۲ جورج بوش در نشست اعضای کنگره و سنای آمریکا از کشورهای عراق و کره شمالی و ایران به‌عنوان محور شرارت یاد کرد که با سلاح‌های غیر متعارف خود امنیت بین‌الملل را تهدید می‌کنند. رئیس‌جمهور وقت ایران سید محمد خاتمی در ۹ بهمن ۱۳۸۱ تصمیم ایران مبنی بر دستیابی به فناوری غنی‌سازی اورانیوم را اعلام کرد. تداوم فشارها از سوی آمریکا که کشورهای غربی دیگر را نیز در کنار خود داشت، ایران را مجبور کرد قرارداد الحاقی را بپذیرد (رسولی‌ثانی آبادی، ۱۳۹۰: ۴۵). دولت ایران پس از مذاکرات با تروئیکای اروپایی (آلمان، فرانسه و انگلیس) و امضای توافقنامه‌های تهران، بروکسل و پاریس اعلام کرد که پروتکل‌های الحاقی را پذیرفته و برنامه غنی‌سازی اورانیوم را به حالت تعلیق درآورد. اما با روی کار آمدن دولت محمود احمدی‌نژاد اوضاع دگرگون شد، رئیس‌جمهور ایران نگاه ویژه‌ای به انرژی هسته‌ای داشت و طی سخنرانی‌های متعددی چنین اظهار می‌کرد که کشورهای غربی ایران را دچار «آپارتاید هسته‌ای» کردند و ایران را از دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای منع کردند. شعار آقای احمدی‌نژاد همیشه این بوده که «انرژی هسته‌ای برای همه و سلاح هسته‌ای برای هیچ‌کس». این اظهارات رئیس‌جمهور ایران با واکنش کشورهای غربی همراه بود. از سال ۲۰۰۶ و به‌ویژه ۲۰۱۰ کشورهای غربی و منطقه‌ای تحریم‌هایی را علیه ایران تصویب کردند. این تحریم‌ها زمانی تصویب شد که ایران پس از مطرح شدن پرونده هسته‌ای و مذاکرات و تعهدات مختلف به نتیجه قابل توجهی دست نیافت و به موضوعی آفندی روی آورد و تعلیق تأسیسات هسته‌ای خود را فک پلمپ نمود. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع و منجر



به صدور قطعنامه‌های ۱۶۹۶ (مرداد ۱۳۸۵)، ۱۷۳۷ (دی ۱۳۸۵)، ۱۷۴۷ (فروردین ۱۳۸۶)، ۱۸۰۳ (اسفند ۱۳۸۶)، ۱۸۳۵ (مهر ۱۳۸۷) و قطعنامه ۱۹۲۹ (خرداد ۱۳۸۹) ذیل فصل‌های ششم و هفتم منشور سازمان ملل متحد شد. با این قطعنامه‌ها جمهوری اسلامی ایران تحت شدیدترین تحریم‌های بین‌المللی و منطقه قرار گرفت.

سال ۱۳۹۲ حسن روحانی، به‌عنوان هفتمین رئیس‌جمهور ایران پس از انقلاب از طرف مردم انتخاب شد. در دوره اول رئیس‌جمهوری خود مهم‌ترین شعارهای او عبارت بوده‌اند از: مذاکره با کشورهای غربی و آمریکا، حل پرونده هسته‌ای ایران و لغو قطعنامه‌های شورای امنیت و تعامل فعالانه با کشورهای منطقه‌ای بود. شاید مهم‌ترین رویکرد و برنامه‌ای که آقای روحانی در پیش داشت، حل مناقشه هسته‌ای با کشورهای ۵+۱ بود. پس از دو سال مذاکره فشرده و سخت میان ایران و گروه ۵+۱ (پنج عضو دائم شورای امنیت و آلمان)، در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵ میلادی) توافق جامعی برای پایان دادن به تنش‌ها بر سر برنامه هسته‌ای ایران حاصل شد. این توافق که از آن به‌عنوان «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) یاد می‌شود، بعد از طی نمودن مقدمات پیش‌بینی شده، در اواخر دی‌ماه ۱۳۹۴ (ژانویه ۲۰۱۶) به اجرا گذاشته شد. این توافق که از آن به‌عنوان توافق هسته‌ای یاد می‌شود، جمهوری اسلامی ایران متعهد شد تا به مدت ۱۵ سال سطح غنی‌سازی اورانیوم خود را از ۲۰ درصد به ۳/۶۷ درصد ننگه دارد، تعداد سانتریفیوژهای خود را از ۱۸ هزار به ۶ هزار کاهش دهد و اجازه دهد بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سایت‌های هسته‌ای ایران دیدن کنند. در مقابل گروه ۵+۱ متعهد شدند که تمام تحریم‌های مربوط به فعالیت هسته‌ای ایران برداشته شود، تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران لغو گردند و فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را به صورت صلح‌آمیز بپذیرند.

### تاریخچه روابط اعراب و اسرائیل

جنبش یهودی‌نشینان اروپایی در آغاز قرن بیستم که در چارچوب استعمار بریتانیا شکل گرفت، حول پروژه سیاسی یک فرد صهیونیستی به نام «تئودور هرتزل» در اواخر قرن نوزدهم متبلور شد که هدف آن استعمار فلسطین و ایجاد یک کشور یهودی بود؛ هرتزل از آن به‌عنوان «مسئله یهودی» نام برد. این طرح با مقاومت مردم بومی فلسطین، مسیحیان، مسلمانان و یهودیانی که از قبل، از مهاجران یهودی اروپایی پذیرایی می‌کردند، مواجه شد. بنابراین مخالفت گسترده با صهیونیسم و اعلام همبستگی کشورهای خاورمیانه با فلسطین از همان ابتدا به وجود آمده بود. پس از آن صهیونیست‌ها به دنبال به

رسمیت شناختن خود از سوی جامعه بین‌المللی بودن که این کار با صادر شدن اعلامیه یک طرفه «بالفور» توسط بریتانیا در سال ۱۹۱۷ انجام شد. در آن اعلامیه بریتانیا از «وطن یهود» یاد کرد؛ بنابراین این یک پیروزی بزرگ برای دیپلماسی صهیونیست‌ها محسوب می‌شد (Makdisi, 2018: 4).

در ۲۶ نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل طرح اکثریت را برای فلسطین به تصویب رساند. سال ۱۹۴۸م قیمومیت بریتانیا برای فلسطین به پایان رسید و دولت موقت اسرائیل در تل‌آویو تشکیل و دیوید بن‌گورین نخست‌وزیر آن شد. ۱۵ مه همان سال نیروهای ارتش فرا اردنی موسوم به لژیون اعراب، شامل مصر، عراق، لبنان و سوریه به اسرائیل حمله کردند. ولی در نهایت جنگ با شکست اعراب همراه شد (الوندی، ۱۳۸۳: ۲۱۸). پس از جنگ ۱۹۴۸ اعراب و اسرائیل سه بار دیگر در سال‌های ۱۹۵۶ (جنگ کانال سوئز)، جنگ ۱۹۶۷ (جنگ ۶ روزه) و جنگ ۱۹۷۳ (جنگ اصطکاک یا یوم‌کیپور) با هم جنگیدند که با شکست و تحقیر اعراب همراه شد.

پس از این چهار جنگ روند صلح میان مصر و اسرائیل با به قدرت رسیدن انور سادات در مصر آغاز شد. رئیس‌جمهور سادات به شدت خواستار صلح با اسرائیل بود و از اورشلیم دیدن کرد. سادات و رهبر اسرائیل بگین، پیشنهاد آمریکا را پذیرفتند و سرانجام در ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ توافقنامه صلح کمپ دیوید در کاخ سفید امضا شد. در صلح کمپ دیوید سه طرف وجود داشت: مصر، اسرائیل و ایالات متحده (Gurbuz, 2010: 33). قرارداد کمپ دیوید شامل دو سند جداگانه و یک مقدمه بود. این دو سند شامل «ساختاری برای صلح در خاورمیانه» و «ساختاری برای انعقاد پیمان صلح بین مصر و اسرائیل» بود. اولین سند این توافقنامه، چارچوبی برای صلح در خاورمیانه، شامل توافقات متقابل در مورد آینده کرانه باختری و غزه بود. این چارچوب خواستار آن شد که «اقتدار خودگردان منتخب» در یک دوره موقت پنج ساله امنیت برقرار کند. سند دوم، چارچوبی برای انعقاد پیمان صلح بین مصر و اسرائیل، مستلزم عقب‌نشینی اسرائیل از سینا از جمله فرودگاه‌ها و تخلیه بیش از ۴۵۰۰ شهرک‌نشین در مدت سه سال بود. اسرائیل به طور رسمی توسط مصر به رسمیت شناخته شده و روابط دیپلماتیک و تجاری کامل بین دو کشور برقرار می‌شود. همچنین مقدمه شامل انطباق قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل بود که خواستار عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی بود که در جریان جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ تصرف شده بود (Nemcovska, 2021: 44-45). از همین رو در سال ۱۹۹۴ اردن رژیم اسرائیل را به رسمیت شناخت و صلح‌نامه‌ای بین دو دولت امضا شد؛ عربستان هم بعد از کنفرانس مادرید روابط خود را با اسرائیل گسترش داد.

## شکل‌گیری صلح ابراهیم در چارچوب موازنه تهدید

توافق ابراهیم اعلامیه رسمی عادی‌سازی روابط دیپلماتیک است که توسط رهبران بحرین، امارات متحده عربی و اسرائیل با میانجیگری ایالات متحده آمریکا در سپتامبر ۲۰۲۰ در واشینگتن دی سی انجام شد. این توافق یک رویداد بزرگ است که می‌تواند به طور قابل توجهی بر آینده روابط اعراب و اسرائیل تأثیر بگذارد. در واقع این توافق یک پیروزی مهم برای سیاست خارجی دولت دونالد ترامپ بوده چرا که ترامپ از این توافق به‌عنوان «سپیده‌دم خاورمیانه جدید» یاد کرد (Stevenson, 2020: 2). این توافق بیشتر یک استراتژی است تا تلاش صرف برای عادی‌سازی روابط منطقه‌ای. همچنین جهات مختلف مذهبی، منطقه‌ای، اقتصادی و نظامی را در بر می‌گیرد. مذهبی است چرا که نه تنها بحرین و امارات متحده عربی بلکه در مورد سایر کشورهای مسلمان صدق می‌کند. اسرائیل نیازمند به رسمیت شناختن کشورهای مسلمان است. در واقع اگر این پیمان به درستی اجرا شود، می‌تواند سر منشأ معاملات بین اسرائیل و سایر کشورهای مسلمان باشد. از طرف دیگر مقابله با ایران راحت‌تر از کشورهای عربی است (Rafi Khan & Mehmood Shazad, 2021: 180). از نظر والت، تهدید قدرت کل، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت تهاجمی بازیگر تهدیدکننده چهار مؤلفه اصلی است که باعث می‌شود سایر دولت‌ها در مقابل کشور تهدیدکننده دست به ایجاد موازنه‌سازی بزنند. از همین رو کشورهای عربی و اسرائیل، جمهوری اسلامی ایران را با توجه به نزدیکی جغرافیایی که با این دولت‌ها دارد، همچنین قدرت تهاجمی و نظامی و مهم‌تر از همه با توجه به اینکه از توانمندی هسته‌ای برخوردار است، به‌عنوان یک قدرت تهدیدکننده در منطقه می‌دانند. بنابراین برای مقابله با این عامل تهدیدکننده به موازنه‌سازی روی آوردند. به طور کلی از جمله تهدیدات مشترکی که برای اسرائیل و کشورهای عربی از جانب جمهوری اسلامی ایران وجود دارد را می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### تهدید توانمندی نظامی جمهوری اسلامی ایران برای اعراب و اسرائیل

جمهوری اسلامی ایران با تجربه‌ای که از دوران جنگ تحمیلی به دست آورد، تمام تلاش خود را کرد که بتواند در زمینه نظامی خودکفا شود بنابراین در این سال‌ها توانست در بسیاری از زمینه‌ها به خودکفایی برسد. بر این اساس در دو دهه اخیر جمهوری اسلامی ایران توانست به دستاوردهای قابل توجهی در زمینه‌های موشکی و پهپادی دست یابد.

## الف. قدرت موشکی جمهوری اسلامی ایران

موشک‌های بالستیک از جمله جنگ‌افزارهایی هستند که ورود آنها به زرادخانه‌های نظامی کشورها به دلیل برخورداری از دقت، برد، سرعت، آسیب‌پذیری دفاعی، قابلیت حمل کلاهک‌های کشتار جمعی و نفوذ آسان در مرزها، راهبرد نظامی و منازعات را متأثر ساخته‌اند. ایران موشک‌های بالستیک خود را در طیفی از بردهای ۱۵۰ کیلومتر تا ۵۰۰۰ کیلومتر طبقه‌بندی می‌کند و معتقد است این توانمندی کمبودهای نیروی هوایی آن را جبران می‌کند. مهم‌ترین موشک‌های بالستیک ایران شامل موشک زمین به زمین سیل، موشک خانواده شهاب که نامدارترین موشک‌های ایران در ۳ رده ۱، ۲ و ۳ تولید شده، موشک بالستیک خلیج فارس، خرمشهر قدر و... است (صدری، ۱۳۹۹: ۶۷).

علاوه بر موشک‌های بالستیک، جمهوری اسلامی ایران از دانش ساخت موشک‌های کروز برخوردار است. مهم‌ترین مزیت موشک‌های کروز، قدرت رادار گریز و توانایی آنها برای عبور از سامانه‌های دفاع موشکی است. همچنین این موشک‌ها از سرعت در جا به جایی، هزینه‌های پایین تولید و دقت بسیار برخوردار هستند. موشک‌های کروز از دو طریق می‌توانند در تقویت توان نیروی هوایی مؤثر باشند، نخست می‌توانند به طور دقیق اهداف دور از دسترس برد هواپیماهای جنگنده را مورد هدف قرار دهند؛ دوم، آنها با عبور از سامانه دفاع هوایی دشمن، اهداف شدیداً محافظ شده را منهدم نمایند (بساطی، ۱۳۹۸: ۹۹). موشک‌های کروز ایران عبارت هستند از: صاعقه، نصر، ظفر، قادر، نور، قدیر و یا علی و... موشک هایپرسونیک که اخیراً از آن رونمایی شد، از دیگر توانایی‌های موشکی جمهوری اسلامی ایران است. این موشک می‌تواند از همه سامانه‌های سپر موشکی عبور کند و سامانه‌های ضد موشکی دشمن را هدف قرار دهد. برد آن ۱۴۰۰ کیلومتر و سرعت آن پیش از اصابت به هدف ۱۳ تا ۱۵ ماخ است، سرعتی که در محدوده‌ای قرار دارد که به آن «هایپرسونیک» گفته می‌شود (ایسنا، ۱۷ خرداد ۱۴۰۲).

## ب. قدرت پهپادی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران یکی از گسترده‌ترین و متنوع‌ترین ناوگان‌های پهپادی منطقه را دارا است؛ ناوگانی متشکل از پهپادهایی با طرح‌های صد در صد بومی تا پهپادهای مهندسی معکوس شده که طی سال‌های اخیر به طرق مختلف در اختیار نیروهای مسلح قرار گرفته است. این مسئله جمهوری اسلامی ایران را از نظر تنوع و گستردگی کاربری پهپادها در کنار قدرت‌های پهپادی نظیر اسرائیل و ایالات متحده و بریتانیا قرار داده به طوری که در جنگ اخیر بین روسیه و اوکراین، فدراسیون روسیه از

پهپادهای ساخت ایران در جنگ علیه اوکراین استفاده کرده که با واکنش‌های بین‌المللی مواجه شد. از مهم‌ترین پهپادهای ایرانی که در اختیار نیروهای مسلح قرار گرفت عبارت هستند از: انواع پهپادهای شاهد، مهاجر، ابابیل و ... .

همان‌طور که در بالا توضیح داده شد، از ابزارهای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه به‌ویژه در مقابله با تهدیدات که از جانب اعراب و اسرائیل علیه تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، قدرت و توانمندی نظامی است، توانمندی‌ای که اعراب و اسرائیل آن را تهدیدی برای موجودیت خود و همچنین موجب نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه می‌دانند چرا که در عرصه روابط بین‌الملل افزایش و توانمندی نظامی یک طرف به معنای تهدید امنیت طرف مقابل است. اسرائیل به دلیل امتناع جمهوری اسلامی ایران برای برقراری ارتباط با خود در تلاش است تا این کشور را در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی منزوی سازد؛ در واقع دکترین اصلی اسرائیل بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از محاصره اعراب به محاصره جمهوری اسلامی ایران تغییر کرد چرا که جمهوری اسلامی همواره به دنبال حذف فیزیکی این رژیم بوده است.

به طور سنتی تهدید نظامی در کانون نگرش کشورها قرار دارد. تهدیدات نظامی ایران هم می‌تواند عامل مهمی در تهدید امنیت ملی اسرائیل تلقی شود چرا که سلاح‌ها و موشک‌های جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای طراحی شده‌اند که دامنه برد آنها رژیم اسرائیل را در بر می‌گیرد و از نظر اسرائیل این موشک‌ها قدرت حمل سلاح هسته‌ای را دارند. بر همین اساس در این سال‌ها این رژیم اقدام به همکاری گسترده و ائتلاف با برخی از کشورهای منطقه و خارج از منطقه کرده که امنیت ملی ایران را تهدید می‌نماید؛ هدف از این ائتلاف مقابله با بنیادگرایی اسلامی، مقابله با نفوذ ایران در منطقه، ارائه الگوی سکولاریستی، برهم زدن توازن راهبردی منطقه به زیان ایران، انجام عملیات هوایی علیه ایران و تشویق ایالات متحده به جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان خطری علیه ثبات داخلی این کشور محسوب می‌شود (صدری، ۱۳۹۹: ۳۷-۳۹). از دیدگاه اعراب قدرت موشکی و پهپادی و به طور کلی توانمندی نظامی جمهوری اسلامی ایران منجر به بی‌اثر شدن خریدهای تسلیحاتی این کشورها می‌شود چرا که این کشورها قراردادهای میلیارد دلاری با برخی از کشورهای غربی برای خرید تسلیحات نظامی امضا کردند.

## تهدید نزدیکی جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران برای اعراب و اسرائیل

از مؤلفه‌های موازنه تهدید استنفان والت نزدیکی جغرافیایی است. نزدیکی جغرافیایی یا مجاورت جغرافیایی خود می‌تواند کشورهایی را که در مجاورت یکدیگر در یک منطقه خاص جغرافیایی باشند، دعوت به مناقشه کند. موازنه تهدید بیان می‌کند که توانایی یک کشور برای ایجاد تهدید برای سایر بازیگران بین‌المللی به دلیل مسافت زیاد مانع می‌شود. در مقابل کشورهایی که به یکدیگر نزدیک هستند نسبت به کسانی که از هم دور هستند، تهدید بیشتری دارند. از این رو حکومت جمهوری اسلامی ایران، کشورهای عرب منطقه خلیج فارس و همچنین اسرائیل به دلیل مجاورت جغرافیایی که با یکدیگر دارند همواره برای یکدیگر تهدیدزا هستند.

از ابتدای انقلاب اسلامی تا کنون روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عربی و اسرائیل با فراز و نشیب‌های زیادی همراه بود. حکومت جمهوری اسلامی ایران رژیم اسرائیل را دشمن خود می‌داند و همواره در صدد نابودی آن است؛ به طوری که امام خمینی<sup>(ره)</sup> این رژیم را سرطان بدخیم منطقه و آیت‌الله خامنه‌ای سال ۱۳۹۴ فرمودند اسرائیل تا ۲۵ سال آینده باید نابود شود. جمهوری اسلامی ایران به کشورهای عرب منطقه به‌ویژه عربستان، امارات و بحرین به‌عنوان رقیب نگاه می‌کند چرا که این کشورها برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل دادند و در قالب همین شورا در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به رژیم بعث کمک‌های تسلیحاتی فراوانی کردند؛ بنابراین، موقعیت جغرافیایی این کشورها باعث می‌شود که هر کدام دیگری را برای خود تهدید بدانند. به لحاظ موقعیت جغرافیایی این سه کنشگر در منطقه خاورمیانه قرار دارند، هر کدام دارای گروه‌هایی هستند که به نیابت از خود علیه دیگری می‌جنگند و جمهوری اسلامی ایران اختلاف‌های مرزی با برخی کشورهای عرب (بحرین و امارت) منطقه دارد.

با مجاورت جغرافیایی که این سه کنشگر با هم دارند تا کنون جنگ‌های فراوانی به صورت مستقیم و غیر مستقیم با هم داشته‌اند، به طوری که در جنگ ۳۳ روزه و ۲۲ روزه بین حزب‌الله لبنان و اسرائیل، جمهوری اسلامی ایران کمک‌های تسلیحاتی، مستشاری و مالی فراوانی به حزب‌الله لبنان کرد و در ادامه از حماس و دیگر گروه‌های مقاومت علیه اسرائیل حمایت می‌کند. همچنین اسرائیل در راستای جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی ایران به سلاح هسته‌ای بسیاری از دانشمندان هسته‌ای ایران را ترور کرد و بسیاری از مراکز حساس نظامی جمهوری اسلامی ایران را مورد حمله قرار داد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران کشورهای عرب منطقه همواره جمهوری اسلامی ایران را متهم به صدور انقلاب



اسلامی به خارج از مرزهای خود و تحریک شیعیان منطقه می‌کنند که این اتهامات منجر به درگیری بین کشورها شد؛ از جمله می‌توان به کشتار حجاج ایران در عربستان، تحریک شیعیان بحرین و جنگ تحمیلی صدام علیه جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد؛ همچنین این روابط تنش‌زا در این سال‌ها باعث قطع روابط دیپلماتیک بین ایران و کشورهای عرب منطقه شد. در دوران بهار عربی و جنگ داخلی سوریه، یمن و عراق هم‌زمان با حضور کشورهای عرب منطقه مانند عربستان، امارات، بحرین و قطر، جمهوری اسلامی ایران هم در این سه کشور حضور داشت که به صورت نیابتی به مقابله با یکدیگر پرداختند.

به طور کلی از دید محور عبری-عربی، یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای امنیت منطقه‌ای خلیج فارس و تلاش برای دستیابی به ثبات، افزایش مداوم نفوذ سیاسی و نظامی ایران است. تهران با استفاده از نیروهای نیابتی در سوریه، لبنان، عراق و فلسطین اشغالی به دنبال ایجاد هلال شیعی با نفوذ مذهبی و سیاسی در منطقه بوده تا ایران را در ساختارهای امنیت و قدرت محلی جای دهد و اهرم فشاری بر رقبای عرب سنی و اسرائیلی خود باشد (ارغوانی پیرسلامی و آرایش، ۱۴۰۱: ۱۷ و ۱۶).

### تهدید توانمندی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران برای اعراب و اسرائیل و شکل‌گیری صلح

#### ابراهیم

اعراب و اسرائیل از بزرگ‌ترین مخالفان برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران هستند و در این دو دهه اخیر با شروع مذاکرات ایران با گروه ۱+۵، سازمان انرژی اتمی و سازمان ملل متحد این مخالفت‌ها به صورت آشکار نمایان شد و از هر ابزاری برای به نتیجه نرسیدن این مذاکرات استفاده کردند؛ در این مورد می‌توان به مخالفت اسرائیل و عربستان به توافقنامه برجام در سال ۲۰۱۵ اشاره کرد چرا که این کشورها توانمندی هسته‌ای ایران را تهدیدی برای امنیت خود می‌دانند.

افشای سایت هسته‌ای نطنز در سال ۲۰۰۲، تهدید اطلاعات نظامی ایران برای اسرائیل را آشکار کرد، به طوری که آریل شارون، نخست‌وزیر سابق اسرائیل به دنبال توقف برنامه هسته‌ای ایران بود. همچنین از نظر او ایران مجهز به سلاح هسته‌ای بزرگ‌ترین چالش امنیتی برای امنیت ملی اسرائیل تلقی می‌شود و برخوردار بودن ایران از سلاح هسته‌ای می‌تواند با ارائه بازدارندگی هسته‌ای به گروه‌های ضد اسرائیلی مانند حزب‌الله، برتری متعارف اسرائیل را تضعیف کند (leila, 2020: 1215). اسرائیل توسعه و گسترش برنامه هسته‌ای ایران را چالش مهمی برای سیاست بازدارندگی خود می‌داند و بر این اعتقاد است که

اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد، خاورمیانه هسته‌ای تبدیل به یک کابوس استراتژیک برای این رژیم خواهد شد؛ این عمل می‌تواند توازن سنتی قوا را در منطقه به ضرر اسرائیل برهم زده و به برتری هسته‌ای انحصاری آن در منطقه خاتمه دهد. حتی توافقنامه برجام بین جمهوری اسلامی ایران و گروه ۵+۱ نگرانی‌های اعراب و اسرائیل نسبت به تهدید هسته‌ای جمهوری اسلامی را کاهش نداده است (ثانی‌آبادی و روستایی، ۱۳۹۸: ۱۲۶)؛ به طوری که در سال ۲۰۱۵ پس از ۲۲ ماه مذاکره بین گروه ۱+۵ و جمهوری اسلامی ایران توافقنامه جامع اقدام مشترک موسوم به برجام امضا شد. در واکنش به توافقنامه برجام رژیم صهیونیستی و شخص نخست‌وزیر بنیامین نتانیا‌هو از این توافق به‌عنوان «توافق بد» یاد کرد. بنیامین نتانیا‌هو در این باره گفت: ایران با این توافق صدها میلیارد دلار به دست خواهد آورد که با آن می‌تواند ماشین ترور خود را تقویت کند، ایران را به‌عنوان یک کشور هسته‌ای مشروعیت بخشد، نقش بسیار بی‌ثبات‌کننده آن را در خاورمیانه تقویت کند و باعث گسترش سلاح‌های هسته‌ای و مسابقه تسلیحاتی متعارف در منطقه شود (khalid & Safdar, 2016: 354).

از این رو اسرائیل همواره با اتخاذ سیاست‌هایی در تلاش است تا در راستای سیاست جلب حمایت جهانی و ایجاد جبهه ضد ایرانی علیه برنامه هسته‌ای ایران، نقش و قدرت منطقه‌ای ایران را گسترش طلبانه، فرصت طلبانه و غیر سازنده جلوه دهد و به تهدید هسته‌ای ایران بُعدی منطقه‌ای و بین‌المللی بدهد. در حقیقت اهداف اعلامی این استراتژی، سیاستی برای کنترل، مهار و ایجاد بازدارندگی در مقابل افزایش نقش و قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. اسرائیل با فضا سازی رسانه‌ای و فشار از طریق لابی‌های خود در سراسر جهان به‌ویژه در آمریکا، بر دامنه فعالیت‌های خود علیه جمهوری اسلامی ایران افزوده است. این رژیم بار دیگر با همراه کردن آمریکا به تهدید تکراری خود مبنی بر احتمال حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران روی آورده است. حتی برای جلوگیری از پیشرفت و توسعه برنامه هسته‌ای ایران بر خلاف قوانین و مقررات بین‌المللی به حذف فیزیکی دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد مانند ترور شهیدان شهریاری، احمدی روشن و فخری‌زاده.

منطق راهبردی جهان عرب به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بر پایه «منافع و مصالح» استوار است و منافع و مصالح عربی نیز بر حسب قدرت تعریف می‌شود. در نتیجه منطق حاکم بر راهبرد و مفهوم غالب رویکرد اعراب، منطق موازنه قوا بر پایه بازدارندگی و مفهوم قدرت است. این منطق و مفهوم غالب ایجاب می‌کند که جهان عرب در قبال ایران رویکردی اتخاذ نکند که تأمین‌کننده قدرت و تضمین‌کننده جایگاه اعراب در سلسله مراتب قدرت در منطقه باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۵۸ و

۵۷). رویکرد اعراب به‌ویژه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به برنامه هسته‌ای ایران بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ در بهبوه مذاکرات هسته‌ای بین جمهوری اسلامی ایران و قدرت‌های بزرگ و کنفرانس اپوزیسیون مبهم بود و سکوت اختیار کردند. اما رفته‌رفته این کشورها خطرات فعالیت‌های هسته‌ای ایران را برای امنیت خود احساس کردند و سیاست خارجی آنها در قبال برنامه هسته‌ای ایران دچار چرخش اساسی شد و بر عواقب بالقوه منفی آن برای مردم منطقه تأکید کردند. به طوری که در اجلاس سران کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۰۶ شیخ جابر بر ضرورت حل بحران هسته‌ای به مشروعیت بین‌المللی و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات تأکید کرد و شورای همکاری نیز از ایران خواست تا گفتگوهای بین‌المللی را ادامه دهد و در زمینه هسته‌ای با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کامل داشته باشد و همچنین ایران متعهد به رعایت استانداردهای بین‌المللی، امنیت، ایمنی و جوانب محیط زیستی باشد (مددی جابری، ۱۳۹۶: ۱۰۹ و ۱۰۶).

اعضای شورای همکاری خلیج فارس بر تشکیل یک توافق منطقه‌ای که شامل کشورهای منطقه خلیج فارس، غرب آسیا و به‌ویژه اسرائیل می‌شود را ضروری می‌دانستند و هدف آن ایجاد مبنای قانونی برای ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی است که همه حکومت‌ها ملزم به رعایت آن هستند. این کشورها بر خلاف اسرائیل حق جمهوری اسلامی ایران را برای دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای به رسمیت می‌شناسند و از به کارگیری گزینه نظامی علیه برنامه هسته‌ای ایران خودداری می‌کنند زیرا جنگ با ایران باعث گسترش آن به کل منطقه، غیرفعال شدن صادرات نفت به علت بسته شدن احتمالی تنگه هرمز و هرج و مرج خواهد بود. همچنین از حملات توپخانه‌ای ایران به تمام کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به دلیل حضور پایگاه‌های آمریکا در این کشورها نیز می‌ترسیدند (همان، ۱۱۷). با توجه به موارد فوق از نظر کشورهای عربی خلیج فارس، برنامه هسته‌ای ایران دو اثر مهم بر این منطقه را دارد (Alaslamiy & Alsyd, 2022: 36-37):

#### الف. تهدیدی برای ثبات منطقه‌ای خلیج فارس

تسلیمات هسته‌ای ایران از دو جهت بر ثبات منطقه خلیج فارس تأثیر می‌گذارد: اول: تداوم عدم تعادل موجود در موازنه قوا، به دلیل ضعف ساختار نظامی و دفاعی کشورهای حاشیه خلیج فارس مسیر آن به سمت شمال یا شرق نخواهد بود، در شمال روسیه و در شرق قدرت‌های هسته‌ای بزرگ آسیا «هند، پاکستان و چین» قرار دارند و بنابراین امکان گسترش قدرت ایران تنها به سمت غرب یعنی به سمت منطقه خلیج فارس وجود دارد. دوم: احتمال بروز درگیری نظامی بین ایران و طرف‌های درگیر در پرونده

هسته‌ای به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و اسرائیل که آثار آن در منطقه منعکس خواهد شد که با شروع جنگ واکنش ایران ممکن است اشکال مختلفی داشته باشد، از جمله: حمله ایران به پایگاه‌های هوایی و کشتی‌های دریایی ایالات متحده در کشورهای عربی خلیج فارس، احتمال بستن تنگه هرمز توسط ایران که مانع از جریان نفت خلیج فارس به کشورهای غربی و ایالات متحده می‌شود.

### ب. مشکل رسیدن به یک فرمول مشترک برای امنیت خلیج فارس

یکی از تأثیرات مهم در اختیار داشتن سلاح هسته‌ای از سوی ایران، دشواری دستیابی به یک فرمول مشترک برای امنیت خلیج فارس است چرا که این موضوع یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در روابط ایران و خلیج فارس به شمار می‌رود. دیدگاه مقامات جمهوری اسلامی ایران که با دیدگاه شش کشور شورای همکاری خلیج فارس در این زمینه که حضور خارجی را عامل مهمی در تأمین امنیت خود می‌دانند، مغایرت دارد و با توجه به این تفاوت، فرمول‌های متعددی برای امنیت خلیج فارس مطرح شد، اما اصرار ایران بر در اختیار داشتن تسلیحات هسته‌ای، امکان دستیابی به فرمول امنیتی را مختل می‌کند. با تهدیدات مشترکی که اعراب و اسرائیل از جانب جمهوری اسلامی ایران احساس کردند به عادی‌سازی روابط و ائتلاف‌سازی در برابر تهدیدات جمهوری اسلامی ایران روی آوردند چرا که از نظر استفان والت آنچه که باعث ایجاد موازنه می‌شود نه افزایش قدرت بلکه افزایش تهدید است. یکی از مهم‌ترین تهدیداتی که از جانب جمهوری اسلامی ایران به طور مشترک برای اعراب و اسرائیل وجود دارد توانمندی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و احتمال دستیابی این کشور به سلاح اتمی است. هرچند مقامات جمهوری اسلامی ایران از جمله آیت‌الله خامنه‌ای رهبر ایران هر گونه دستیابی به سلاح اتمی را رد کرده با این حال نگرانی درباره اقدامات هسته‌ای ایران محدود به آمریکا و اسرائیل نیست بلکه برخی از کشورهای عربی از جمله عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین نیز نگران برنامه هسته‌ای ایران هستند و این کشور را به‌عنوان تهدیدی جدی ارزیابی می‌کنند که همین مسئله می‌تواند از عوامل اصلی برقراری روابط و نزدیکی اعراب و اسرائیل باشد. یوسی کوهن، رئیس موساد بعد از امضای توافق ابراهیم اظهار داشت که «نگرانی‌های منطقه‌ای درباره اهداف توسعه‌طلبانه ایران نقش کلیدی در تصمیمات کشورهای خلیج فارس برای به رسمیت شناختن اسرائیل و عادی کردن مناسبات خود با این کشور ایفا کردند». همچنین مایک پمپئو، وزیر خارجه دولت ترامپ، این دستاورد (توافق

ابراهیم) را ناشی از کارزار فشار حداکثری تحریم‌ها علیه حکومت ایران می‌داند (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۵۸-۵۷). از دیدگاه ایدئولوژی، کشورهای عربی نظیر عربستان، بحرین و امارات، اسرائیل را تهدیدی وجودی علیه خود نمی‌دانند و در مقابل تهران را تهدید اصلی برای ثبات و امنیت منطقه می‌دانند. برای اسرائیل نیز فرصتی فراهم آمده که به جای اینکه به تنهایی با ایران مواجه شود، حمایت اعراب را داشته باشد. اسرائیل با بزرگ‌نمایی برنامه هسته‌ای، ایران را به‌عنوان تهدیدی علیه موجودیت خود و کشورهای منطقه معرفی می‌کند. بر این اساس عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل به دلیل دشمن مشترک یعنی جمهوری اسلامی ایران سبب همکاری بیشتر این دو و عقد قراردادهای همکاری میان آنها مانند قرارداد ابراهیم در سال ۲۰۲۰ شده است (ارغوانی پیرسلامی و آرایش، ۱۴۰۱: ۱۷).

### نتیجه

در پژوهش حاضر «تأثیر توانمندی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در شکل‌گیری صلح ابراهیم» مورد بررسی قرار گرفته است. روابط اعراب و اسرائیل از زمان ایجاد و استقلال کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تا اوایل قرن حاضر همیشه روابط ستیزانه‌ای بود و کمتر کشور عربی‌ای اسرائیل را به رسمیت می‌شناخت. اما در هزاره جدید میلادی به علت وقوع اتفاقات جدید در منطقه خاورمیانه از جمله جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه اسرائیل با حزب‌الله لبنان، وقوع بهار عربی، پروژه ایران هراسی اسرائیل در سایه برنامه هسته‌ای ایران، توافق هسته‌ای ایران با گروه ۱+۵ در سال ۲۰۱۵، به قدرت رسیدن دونالد ترامپ و نگاه توسعه‌گرانه محمد بن سلمان ولیعهد جوان عربستان سعودی، به عادی‌سازی روابط و برقراری روابط دیپلماتیک در سال ۲۰۲۰ روی آوردند. ویژگی برجسته برقراری روابط دیپلماتیک بین اعراب و اسرائیل گذر از برخی از اختلافات گذشته و تمرکز بر تهدیدات مشترک اعراب و اسرائیل بود. یکی از مهم‌ترین تهدیدات مشترک این کشورها جمهوری اسلامی ایران و برخوردار بودن از توانمندی هسته‌ای در کنار توانمندی نظامی و مجاورت جغرافیایی است که این کشور با اعراب و اسرائیل دارد.

اسرائیل به دلیل ماهیت ضد صهیونیستی انقلاب اسلامی ایران، اظهارات رهبران و مقامات حکومت جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای نابودی و حذف فیزیکی این رژیم به وسیله حمایت از گروه‌های نیابتی من جمله حزب‌الله لبنان، حماس، تشکیلات خودگردان فلسطین، همواره از جانب جمهوری اسلامی ایران احساس خطر می‌کند؛ بنابراین توسعه و پیشرفت فناوری هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

را به معنای نابودی خود و برهم خوردن توازن قدرت در منطقه خاورمیانه می‌داند چرا که از نظر اسرائیل جمهوری اسلامی ایران به دنبال دستیابی سلاح اتمی می‌باشد و حتی مخالف مذاکره، تعامل و توافق قدرت‌های بزرگ (گروه ۱+۵ و اتحادیه اروپا)، سازمان ملل متحد و سازمان انرژی اتمی با جمهوری اسلامی ایران در رابطه با پرونده هسته‌ای است و بارها تأسیسات هسته‌ای ایران را تهدید به حمله نظامی کرده است.

جهان عرب مانند اسرائیل مخالف برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران هستند. روابط جمهوری اسلامی ایران و اعراب به‌ویژه از ابتدای انقلاب اسلامی ایران تا کنون روابط پرفراز و نشیبی بوده است. تشکیل شورای همکاری خلیج فارس برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و حمایت این شورا از حزب بعث، اختلافات مرزی جمهوری اسلامی ایران با امارات و بحرین، کشتار حجاج ایرانی در عربستان، جنگ داخلی سوریه و حمایت ایران از دولت بشار اسد و در مقابل حمایت کشورهای عربستان، امارات، بحرین و قطر از مخالفان بشار اسد، حمله به کنسولگری عربستان در مشهد در پی اعدام شیخ نمر باقر النمر و قطع روابط دیپلماتیک کشورهای عربستان و امارات با جمهوری اسلامی ایران از جمله اتفاقاتی است که منجر به روابط تنش‌زا بین جمهوری اسلامی ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس شده است. در واقع با وجود روابط تنش‌زایی که بین جمهوری اسلامی و کشورهای عربی وجود دارد با هرگونه پیشرفت در زمینه‌های مختلف مخالف هستند. از این رو پیشرفت و توسعه انرژی هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران را به ضرر خود می‌دانند؛ اولاً از نظر آنها جمهوری اسلامی ایران با توانمندی‌ای که در زمینه هسته‌ای دارد و احتمال دستیابی به سلاح اتمی و در کنار آن دارا بودن اسرائیل از سلاح اتمی منجر به شکل‌گیری مسابقه تسلیحات اتمی می‌شود و منطقه را با خطرات امنیتی مواجه می‌کند، دوماً در صورت برخوردار شدن جمهوری اسلامی ایران به سلاح اتمی همچنین توانمندی موشکی و مجاورت جغرافیایی که این کشور با کشورهای عربی دارد می‌تواند از این توانمندی در جهت تحت فشار گذاشتن این کشورها و نفوذ در منطقه استفاده کند. به عبارتی، با نفوذ و افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه که باعث تغییر معادلات قدرت در منطقه شده، سیاست‌مداران و نخبگان سیاسی اعراب و اسرائیل به این درک رسیده بودند که در شرایط کنونی تهدیدات ایران از اولویت و ارجحیت بیشتر نسبت به سایر مسائل برخوردار است؛ بنابراین با تهدیدات مشترکی که اعراب و اسرائیل از ایران دارند هدف ائتلاف اعراب با اسرائیل ایجاد موازنه تهدید در مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی ایران و ترس از توانمندی هسته‌ای این کشور



است، ترسی که در نهایت با وساطت دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۲۰ منجر به شکل‌گیری صلح ابراهیم شد.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

- ۱- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز؛ حسن آرایش (۱۴۰۱)، «اعراب و انتخاب در شرایط موازنه تهدید؛ تهدیدانگاری ایران و عادی‌سازی روابط با اسرائیل»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۴، شماره ۴ (۵۶)، ۳۶-۱.
- ۲- جلال‌پور، حسن (۱۴۰۱)، «زمینه‌های شکل‌گیری سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در برابر اتحاد جماهیر شوروی از منظر موازنه تهدید»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۵۱، ۶۷-۵۵.
- ۳- دوست‌محمدی، احمد؛ عبدالعظیم غیثی و یاسر مرادی عباس‌آبادی (۱۳۸۹)، «تأثیر فعالیت‌های هسته‌ای ایران بر همگرایی امنیتی در بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۸، ۵۰-۲۹.
- ۴- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۶)، «رویکرد اعراب به برنامه هسته‌ای ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهارم، شماره ۲ و ۳، ۸۶-۵۵.
- ۵- ربیعی، حسین؛ جعفر نقدی و سجاد نجفی (۱۳۹۶)، «بحران سوریه و امنیت ملی ایران از دیدگاه نظریه موازنه تهدید»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۰، ۸۸-۶۱.
- ۶- رسولی ثانی‌آبادی، الهام و مجتبی روستایی (۱۳۹۸)، «موازنه تهدید و اتحاد اعراب و اسرائیل در برابر محور مقاومت»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیست و ششم، شماره سوم، ۱۱۳-۱۳۴.
- ۷- رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۰)، «هویت هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران»، تهران: ابرار معاصر.
- ۸- صدری، مهدی (۱۳۹۹)، «نقش توانمندی موشکی در تأمین امنیت ایران بعد از جنگ تحمیلی تا خروج آمریکا از برجام»، کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۹- عزیزی بساطی، مجتبی (۱۳۹۸)، «توانمندی موشکی جمهوری اسلامی ایران و موازنه قدرت در غرب آسیا (۲۰۱۸-۲۰۰۱)»، دکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- ۱۰- قاسمی، مهران (۱۳۸۷)، «نیم قرن برنامه هسته‌ای ایران»، تهران: ابرار معاصر.
- ۱۱- محمدزادگان، آرش (۱۳۹۴)، «تحلیل محتوای قطعنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص برنامه هسته‌ای ایران در سال‌های ۸۴-۱۳۸۲ و ۸۶-۱۳۸۴»، کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۲- مددی جابری، فرشید (۱۳۹۶)، «بررسی سیاست خارجی شورای همکاری خلیج فارس در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶»، کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ۱۳- ملکی، محمدرضا و فرزاد ابراهیمی محمدزاده (۱۳۹۹)، «چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اسرائیل و جهان عرب»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال ۱۷، شماره ۳ (۶۷)، ۶۴-۴۵.

- ۱۴- نادری بنی، عباس (۱۳۹۸)، «تیین توانمندی ژئومیلیتاری نیروهای مسلح ایران در قبال قدرت‌های جهانی با تأکید بر منطقه خاورمیانه»، کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی (مطالعات ایران)، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۱۵- نویدنیا، فرزاد و سجاد مرادی کلارده (۱۴۰۰)، «تیین روابط عربستان سعودی و اسرائیل در مقابله با ایران (۲۰۱۱-۲۰۲۰)»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴۸، ۱۰۹-۹۲.
- ۱۶- الوندی، عباس (۱۳۸۳)، «گاه‌شماری روابط اعراب و اسرائیل الف: ۲۰۰۱-۱۹۴۷»، مصباح، شماره ۵۵، ۲۹۰-۲۱۵.

### منابع غیر فارسی

- 1- Alaslamiy, S. (2022). Nuclear Program of Iran and its Repercussions on the Gulf Cooperation Council (GCC) Countries. Dira sat: Human and Social Science. Vol. 49, No. 3. ppt; 30-46.
- 2- Dagi, D (2018). Balance of Power or Balance of Threat: Revisiting Ottoman Alliance Politics before the Great War. Open Political Science. ppt; 143-152.
- 3- Gurbuz, M, V (2010). THE CAMP DAVID PEACE ACCORDS. Firat Üniversitesi Orta Doğu Araştırmaları Dergisi Cilt: VI, Sayı: 2.ppt; 33-46.
- 4- Islam, thoivhidul. (2010). Iran's Nuclear policy Russia perspective Accessible.ppt; 103-123. at: <http://staty.cejiss-org/data/ap/loaded>.
- 5- Khalid, I & Safdar, A (2016). Iran's Nuclear Agreement: Rethinking Pakistan's Middle East Policy. A Research Journal of South Asian Studies. Vol. 31, No. 1. ppt; 347-366.
- 6- Leila, B (2022). The Israeli- Iranian Rivalry and its Impact on the Iran Nuclear Deal. JOURNAL OF LAW AND POLITICAL SCIENC. Vol, 09. No, 01.ppt; 1206- 1223.
- 7- Makdisi, K. (2018). Palestine and the Arab–Israeli Conflict: 100 Years of Regional Relevance and International Failure. MENARA Working Papers.ppt; 1-24.
- 8- Makdisi, K. (2018). Palestine and the Arab–Israeli Conflict: 100 Years of Regional Relevance and International Failure. MENARA Working Papers.ppt; 1-24.
- 9- Mousavian, S. H., & Mousavian, M. M. (2018). Building on the Iran nuclear deal for international peace and security. Journal for Peace and Nuclear Disarmament. Vol, 1. No, 1. ppt; 169-192.
- 10- Nemcovska, L (2021). Road to Camp David and beyond: Ripeness and Third-party Mediation of the Israeli-Egyptian Conflict.
- 11- Rafi Khan, M & Shazad, S, M (2021). The Abraham Accords: Israel resizing Spheres of Influence. JRSP, Vol. 58, No. 2.ppt; 180-186.
- 12- Stevenson, J (2020). The Abraham Accords: Israel–Gulf Arab Normalization. Strategic Comments.

### منابع اینترنتی

- ۱- موشک هایپرسونیک چیست و چرا مهم است، ایسنا (۱۷ خرداد ۱۴۰۲):  
<https://www.isna.ir/news/1402031710939>
- ۲- همه چیز درباره پهنادهای ساخت ایران/ پیشرفته‌ترین پهپاد ایرانی کدام است؟ رویداد بیست و چهار (۹ مرداد ۱۴۰۱).  
<https://www.rouydad24.ir/fa/news/314001>.